

شخصیت و فضائل حضرت زینب(س)

شخصیت حضرت زینب(س)...

***شخصیت حضرت زینب(س)**

الف. وراثت: حضرت در خانواده وحی(نبوت و ولایت) بدنیا آمد، جدش پیامبر اکرم(ص) پدرش امیرالمؤمنین علی(ع) و مادرش فاطمه زهرا

دختر پیامبر اکرم(ص) بود.

پیامبر اکرم در مورد فرزندان فاطمه فرمود:

«... وُلِدَ فَاطِمَةٌ فَأَنَا وَلِيُّهُمْ وَ عَصِيَّتُهُمْ، وَ هُمْ حَلِيقُوا مِن طِبْتِي...» (2) فرزندان فاطمه (حسن، حسین، زینب، و امّ کلثوم)، که من ولی و سرپرست تَسَبُّی آنها هستم، از طینت و خمیره ذات من آفریده شده اند.

بنابر این حضرت زینب(ع) در همچون خانواده‌ای بدنیا آمد و مراتب کمال را از این سه شخصیت بزرگ به ارث گرفته است.

ب. تربیت: حضرت زینب(ع) از آغاز ولادت تا قریب شش سالگی، در دامن پُرمهر پیامبر و حضرت علی(ع) و فاطمه زهرا(س) تربیت یافت و با نظارت دقیق این خانواده رشد نمود.

تربیت حضرت زینب(س) در همچون خانواده‌ای سبب شد که این شخصیت والامقام به عنوان سومین بانوی جهان اسلام پس از حضرت خدیجه(س) و فاطمه زهرا(س)، به شمار آید.

ج. محیط: یکی دیگر از پایه‌های مهم ساختمان شخصیت آدمی محیط است.

حضرت زینب(س) در محیطی که کانون فضائل، صفا و صمیمیت بود، رشد و نمو یافت.

محیط زندگی حضرت زینب(س) در شهر مدینه، خانه حضرت علی(ع)، فاطمه(ع)، حسن و حسین(ع) بود؛ همان خانه ای که کعبه آمال و محبوب دل‌های مؤمنان بوده است. چنین محیطی نورانی و خانه‌ای بابرکت، ارزش‌های والای دینی و انسانی را در وجود پر برکت ایشان بارور و شکوفا ساخت.

***فضائل و مناقب حضرت زینب(س)**

زینب کبری(س) دارای فضائل و مناقب فراوان است. همان گونه که اشاره شد، او را عالمه غیرمعلمه، عقيله بنی هاشم، معصومه صغری و... لقب داده اند. (3). که هر کدام از این موارد گواه روشن در اثبات مقام این بانوی بزرگ اسلام است.

حضرت زینب(س) بانویی بلندقامت، نیکو چهره و عالی مقام بود، در وقار و شخصیت، مانند جدّه اش حضرت خدیجه(س)، در حیا و عفت، همچون مادرش فاطمه زهرا(ع)، در رسائی و شیوائی بیان، مانند پدرش

حضرت علی(ع)، در حلم و بردباری، چون امام حسن(ع) و در شجاعت و قوّت قلب، مانند برادرش امام حسین(ع) بود. (4) که در اینجا به تعدادی از فضائل آنحضرت اشاره می کنیم.

1- علم و دانش

سخنان و خطبه های عالمانه، همراه با استدلال به آیات قرآن، در کوفه، مجلس عبیدالله بن زیاد و همچنین در دربار یزید، از سوی حضرت زینب(س) هر کدام شاهی

برتوانائی دانش این بانوست.

ابن عباس گفتار پر ارج فاطمه زهرا(س) را درباره «فدک»، از حضرت زینب(س) نقل کرده، می گوید: «عقيله ما زینب دختر علی چنین گفت: ...» (5) افزون بر آن، درس و تفسیر قرآن از سوی حضرت زینب(س)، برای زن های کوفه در زمان حکومت پدرش

حضرت علی(ع) بیانگر دانش ایشان است. (6)

حضرت زینب(س) مقام بیان روایت و حدیث را دارا بود؛ چنان که محمد بن عمرو، عطاء بن سائب، فاطمه بنت حسین و دیگران از زینب(س) نقل حدیث کرده‌اند. (7)

عقیله بنی هاشم حتی آگاهی به حوادث آینده را از پدر بزرگوار خود فرا گرفته بود، همان گونه که بعضی از اصحاب خاص پیامبر(ص) مانند سلمان، ابوذر و برخی از یاران حضرت علی(ع) مانند میثم تمار و رشید هجری به این گونه اسرار آگاه بودند. (8) حضرت زینب(س) دانشی سرشار داشت. طبیعی است کسی که از محضر پیامبر(ص) (شهر علم) و حضرت علی(ع) (دروازه علم) کسب دانش نموده باشد، باید دریای علم باشد.

در نتیجه حضرت زینب(ع) «عالمه غیر معلمه» بود، چنان که احتجاجات او در کوفه و شام در برابر دشمن، مانند احتجاج مادرش حضرت زهرا(س) بود که درباره «فدک» ابراز نمود.

2- پرستش و عبادت

عبادت رفیع ترین مقام آدمی است.

اُمّّه اطهار(ع) هر کدام مرتبه اعلاّی از این مقام را دارا بودند. حضرت زینب(ع) نهایت عبادت و تعظیم را در برابر پروردگار داشت.

حضرت زینب(ع) از نیایش و مناجات‌های پیامبر(ص) با خبر بود، عبادت علی و فاطمه(ع) را شاهد بود. و نیز نیایش‌های امام حسن مجتبی(ع) را در دل شب‌ها و روزها دیده بود، و بلاخره عبادت و مناجات‌های امام حسین(ع) را، به ویژه در شب و صبح عاشورا، به تماشا نشسته بود و هر یک برایش درس و الگوی عبادت و مناجات بود.

حضرت زینب کبری(س) شب‌ها به عبادت می‌پرداخت و در دوران زندگی، هیچ‌گاه تهجد را ترک نکرد. آنچنان به عبادت اشتغال ورزید که ملقب به «عابدۀ آل علی» شد. (9)

شب زنده داری حضرت زینب(س)، حتی در شب دهم و یازدهم عاشورا، ترک نشد. فاطمه دختر امام حسین(ع) می‌گوید: در شب عاشورا، عمّه ام پیوسته در محراب عبادت ایستاده بود، نماز و نیایش داشت و پیوسته اشک‌هایش سرازیر می‌شد. (10) امام زین العابدین(ع)، می‌فرماید: عمّه‌ام زینب در طول سفر اسارت از کوفه تا شام، پیوسته نمازهای واجب و مستحب خود را انجام می‌داد و در بعضی منزل‌گاه‌ها می‌دیدم که ایشان در اثر ضعف و گرسنگی، نماز خود را نشسته می‌خواند؛ چراکه سهمیه غذای خود را میان کودکان تقسیم می‌کرد و دیگر توان ایستادن نداشت. (11)

ارتباط حضرت زینب(س) با خداوند آن گونه بود که حضرت سیدالشهداء(ع) در روز عاشورا هنگام وداع، به خواهرش فرمود: «یا اختی لا تنسینی فی نافلة اللیل» (12)

خواهرم! مرا در نمازهای شب، فراموش نکن.

3- صبر و استقامت

از دیدگاه اسلام، صبر جایگاهی بس والا دارد. قرآن به صبرکنندگان بشارت داده است. (بقره: 155) مقام صبر نسبت به ایمان همانند سر برای بدن است. حضرت زینب(ع) نمونه و تجسم عالی صبر و پایداری است. مقاومت و شکیبائی در راه پاس‌داری از حریم دین و کرامت انسانیت، از ویژگی‌های بارز این بانوی بزرگ است.

صبر و ثبات شگفت‌انگیز حضرت زینب(س) همگان را به اعجاب وا داشته است، چه آنکه از پنج سالگی بامصیبت آشنا شد، داغ عزیزترین کسان خود را یکی پس از دیگری دید، ولی در برابر همه این مصیبت‌ها، قامت برافراشت و صبر کرد.

حضرت زینب(س) در وادی صبر و استقامت، یکه تاز میدان است. در بزرگی مقام صبر و بردباری آن گوهر عظیم الهی، همین بس که وقتی در برابر پیکر نورانی و خونین برادرش امام حسین(ع) رسید، رو به آسمان کرد و گفت:

بار خدایا! این اندک قربانی و کشته در

راه خودت را از ما (خاندان پیامبر) بپذیر. (13)

این سخنان زینب(ع) - هنگامی بود که برادرش امام حسین(ع) و دیگر برادران و فرزندان خویش را از دست داده بود- حاکی از قوّت ایمان، ثبات اعتقاد، گذشتن از خود و فنا شدن ایشان را در خداوند است. (14) حضرت زینب(س) در اثر توجه و تربیت خمسه طیّبه، چنان روح بزرگی یافته بود که شهادت عزیزانش را با صبر و ثباتی وصف ناپذیر تحمل نمود.

درست است که حضرت زینب(ع) در کربلا در برخی موارد گریه و ناله نیز داشت، ولی ناله‌های حضرت زینب(س) در این گونه موارد، دو دلیل داشت:

گاهی عظمت مصیبت بیش از حد سنگین بود، از جمله شهادت حضرت علی اکبر(ع)، چراکه ایشان مقامی بس ارجمند داشت و شبیه‌ترین کس به پیامبر(ص) از نظر صورت و سیرت بود.

بنابراین، به شهادت رسیدن حضرت علی اکبر(ع) و مصیبت از دست دادن آن عزیز، چنان سنگین و کمرشکن بوده است که دل را آب می‌کند و عاطفه را به جوش می‌آورد و نالیدن در چنین مصیبت عظیمی، با مقام صبر در تعارض نیست.

دیگر اینکه گریه‌ها و ناله‌های حضرت زینب(س) در کربلا و پس از آن در طول سفر کوفه و شام، در جهت اهداف عالی و رسالت عظمای ایشان، یعنی ابلاغ پیام عاشورا بوده و ایشان از راه‌های گوناگون، از جمله با خطبه‌ها و سخنرانی‌های آتشین و گریه‌های جانسوز خویش، از نهضت حسینی پاس‌داری می‌نمود.

5- شجاعت و قهرمانی

از ویژگی‌های عظیم بانوی کربلا، «شجاعت» است، بدون شک، اگر ذره‌ای ترس از حکومت استبدادی یزید در وجود زینب راه می‌یافت، در این صورت، نهضت کربلا چنین پیروزی به ارمغان نمی‌آورد.

حضرت زینب(ع) در این ویژگی، یک تاز میدان بود. خطبه های آتشین و افشاگرانه ایشان بر ضد دستگاه امویان و گفتار کوبنده اش در فرصت ها برای دفاع از نهضت حسینی، و صلابت بی نظیر ایشان در کوفه و شام، همه بیانگر قهرمانی و شجاعت ایشان است. «زینب به عنوان شیر زن کربلا و خطیب قهرمان پیام رسان خون شهیدان، در پیشانی اسلام تایید» (15) و جهاد و دفاع ایشان از اسلام و دیانت به ابدیت پیوست. حضرت زینب(ع) در قیام عاشورا شجاعتی شایان از خود به نمایش گذاشت. ایشان بارها جان امام سجاد(ع) را از مرگ نجات داد، از جمله در مجلس ابن زیاد، پس از احتجاج حضرت سجاد(ع) با ابن زیاد، امر به شهادت او داد. حضرت زینب(ع) دست در گردن فرزند برادر انداخت و فرمود: «تا زنده ام، نخواهم گذاشت او را بکشید.» (16) و هرگز به ابن زیاد و یزید بن معاویه اعتنائی نکرد و در حالی که آنان در اوج اقتدارشان بودند، و پاسبان ها با شمشیرهای از نیام بیرون کشیده اطراف ایشان را گرفته بودند، سخنانی ایراد کرد که یزید و اطرافیان وی را رسوا ساخت.

6- فصاحت و بلاغت

بانوی قهرمان کربلا، فصاحت و بلاغت را از پدر و مادر گرمی اش به ارث برده بود. «هنگامی که سخن می گفت، گویی از زبان پدر، ایراد سخن می کرد.» (17) سخنانش در کوفه و مجلس یزید و نیز گفتگوهای ایشان با عبیدالله بن زیاد، بی شباهت به خطبه های امیرالمؤمنین علی(ع) و خطبه «فدکیه» مادرش زهرا(س) نیست. (18) این خطبه ها در حالی ایراد می شدند که حضرت زینب(ع) داغ های فراوانی بر سینه داشت، گذشته از آنکه تشنه، گرسنه و بی خواب بود، سختی سرپرستی کودکان و راه را نیز به دوش می کشید.

وقتی حضرت زینب(ع) در کوفه، آن خطبه فصیح، آتشین و شورانگیز را ایراد نمود، مردم دست ها را به دندان گزیدند و با تعجب به هم نگاه کردند! در همان موقع، پیرمردی در حالی که می گریست و محاسنش از اشک چشمش تر شده بود، دست به سوی آسمان بلند کرد و گفت:

پدر و مادرم فدای ایشان که سال خوردگان نشان بهترین سال خوردگان و کودکان ایشان بهترین خردسالان، و زنانشان بهترین زنان و نسل آنها والاتر و برتر از همه نسل هاست. (19)

*پی نوشت ها

- (1) عبدالله شفیع آبادی، مبانی روان شناسی رشد، چ پنجم، تهران، چهر، 1371، ص 23-31.
- (2) سیدمرتضی حسینی فیروزآبادی، الفضائل الخمسه، انتشارات فیروزآبادی، 1374، ج 3، ص 150.
- (3) سید نورالدین جزائری، پیشین
- (4) محمد محمدی اشتهاردی، حضرت زینب فروغ تابان کوثر، چ سوم، تهران، برهان، 1379، ص 22.
- (5) احمد بهشتی، پیشین، ص 51.
- (6) ذبیح الله محلاتی، پیشین، ص 57.
- (7) احمد صادقی اردستانی، زینب قهرمان دختر علی، تهران، مطهر، 1372، ص 100.
- (8) ذبیح الله محلاتی، پیشین، ج 3، ص 56.
- (9) جعفر نقدی، پیشین، ص 61
- (10) احمد صادقی اردستانی، پیشین، ص 106.
- (11) ذبیح الله محلاتی، پیشین، ج 3، ص 62.
- (12) جعفر نقدی، پیشین، ص 62.
- (13) سید علی نقی فیض الاسلام، خاتون دوسرا (شرح حال زینب)، چ دوم، تهران، نشر آثار فیض الاسلام، 1366، ص 185.
- (14) همان
- (15) محمد محمدی اشتهاردی، پیشین، ص 81.
- (16) محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج 45، ص 117.
- (17) احمد بهشتی، پیشین، ص 51.
- (18) سیدکاظم ارفع، پیشین، ص 88.
- (19) سیدبن طاووس، اللهوف، تهران، دارالعلوم، 1348ش، ص 149 / محمدباقر مجلسی، پیشین، ج 45، ص 110.